

زکات و کاهش فقر در جهان اسلام

زکات سومین رکن اسلام است که شخص را پس از اقرار به یگانگی خدا و به جا آوردن نماز در زمره امت اسلام قرار می‌دهد.



زکات سومین رکن اسلام است که شخص را پس از اقرار به یگانگی خدا و به جا آوردن نماز در زمره امت اسلام قرار می‌دهد. خداوند می‌فرماید: فان تابوا واقاموا الصلوة واتوا الزکوة فإخوانکم فی الدین (توبه / ۱۱)؛ پس اگر توبه کردند و نماز بجا آوردند و زکات دادند، برادران دینی شما هستید.»
در کتابهای فقهی، بسیاری از احکام زکات آمده است؛ از جمله منابع زکات، مقداری که باید پرداخت، موارد مصرف آن و غیره. اقتصاددانان مسلمان به اهمیت اقتصادی و اجتماعی زکات در زندگی فقرا اولویت می‌دهند. چندان که پیامبر صلی الله علیه وآله فرموده است هدف اصلی فرمان به زکات، کاهش فقر در جامعه است. زمانی که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله معاذبن جبل را به یمن فرستاد به وی فرمود: «#171؛ به آنها بگو که خداوند صدقه را بر ثروت ایشان قرار داده است تا از ثروتمندانشان گرفته و به فقراشان داده شود.» (۱) خداوند این وظیفه را به عهده حاکمان مسلمان قرار داده است، چون توانایی بیشتری برای انجام آن دارند. از این رو نقش زکات در کاهش فقر را نمی‌توان کم‌اهمیت دانست. قبل از بحث درباره این که زکات چگونه فقر را کاهش می‌دهد، شایسته است ابتدا نظر اسلام درباره فقر، در مقایسه با دیدگاه سنتی غرب، میزان فقر در جهان و در جهان اسلام، و چگونگی روش غرب در حل مساله فقر در برابر اسلام را به اختصار بیان کنیم.

نظر اسلام درباره فقر
اسلام به فقر به دیده امتحان وفاداری انسان به خالق خود و یک مصیبت ترسناک می‌نگرد: ولنبلونکم بشيء من الخوف والجوع ونقص من الاموال و الانفس والثمرات وبشر الصابرين (بقره / ۱۵۵) #171؛ البته شما را به اندکی ترس و گرسنگی و بینوایی و بیماری و نقصان در محصول می‌آزماییم و شکیباییان را بشارت ده.» فقر بلایی است که شیطان با آن انسانها را می‌ترساند، حال آن که خداوند بخشش و مال و ثروت به آنها وعده می‌دهد. (۲) در همان زمان رهایی از ترس و گرسنگی نعمتی است از جانب خداوند که شایسته شکرگزاری و پرستش است. قرآن می‌فرماید: فلیعبدوا رب هذا البیت الذی اطعمهم من جوع و آمنهم من خوف (قریش / ۴-۳) #171؛ پس باید پروردگار این خانه را بپرستند، آن که به هنگام گرسنگی طعامشان داد و از ترس در امانشان داشت.» اسلام به فقر به عنوان یک مساله مذهبی و اجتماعی نگاه می‌کند که انسان را به ذلت، گناه، و جنایت می‌کشاند، به همین دلیل است که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله از آن به خدا پناه می‌برد: تعوذوا بالله من الفقر والقله والذلة... (۳) #171؛ خدایا از فقر، کمبود و پستی به تو پناه می‌آورم.» فقر ممکن است حتی به کشتن فرد بی گناه انجامد. قرآن می‌فرماید: ولاتقتلوا اولادکم خشية اطلاق نحن نرزقهم وایاکم ان قتلهم کان خطا کبیرا (اسراء / ۳۱) #171؛ فرزندان خود را از بیم درویشی مکشید. ما هم شما را روزی می‌دهیم و هم ایشان را. کشتنشان خطای بزرگی است.» پیامبر صلی الله علیه وآله فقر را به کفر مربوط می‌سازد: کاد الفقر ان یکون کفرا. (۴) #171؛ فقر تقریباً شبیه عدم اعتقاد به خداست.»

بنابراین فقر نسبت به عقاید و اخلاق بشر و نیز برای امنیت و ثبات جامعه یک تهدید به شمار می‌رود. بنابراین بر جامعه و حکومت لازم است به منظور ایجاد کردن یک جامعه سالم با فقر به عنوان یک تهدید اجتماعی با استفاده از تمام امکانات موجود، مقابله کنند.

نظر سنتی غرب درباره فقر
نظریه سرمایه‌داری سنتی ادعا می‌کرد که اگر قرار است پیشرفت صورت گیرد، زندگی اقتصادی باید صرفاً با روند طبیعی عرضه و تقاضای بازار تنظیم شود. فقر خود برای بهبود شخصیت فرد انگیزه‌ای در وی ایجاد می‌کند، در حالی که ضمانت وسایل بقا، آن انگیزه را از بین می‌برد. به این ترتیب فقر به عنوان بهای لازم برای رشد و پیشرفت اقتصادی پذیرفته شد. در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم، مفهوم سرنوشت‌بر مذهب پروتستان حاکم شد. موفقیت‌های مادی نشانه آن است که شخص مورد عنایت خداست و شکست به عنوان 'خواست‌خدا' قلمداد می‌شد که نمی‌بایست در مقابل آن چون و چرا کرد. (۵) داروینیست‌های اجتماعی در اواخر قرن نوزدهم وجود فقر را بر مبنای عبارت مشهور #171؛ بقای اصلح» توجیه می‌کردند؛ یعنی، دلیل آن که عده‌ای در پله پایین نردبان اجتماعی‌اند آن است که آنان توان درگیر شدن با مسایل اجتماعی را ندارند و یا برای این کار مناسب نیستند. #171؛ کمک به آنها نابودی شان را کند و در نتیجه روند پیشرفت را کند می‌کند.» (۶) این نگرش جبری و استکباری نسبت به فقرا در اواخر قرن نوزدهم و ابتدای قرن بیستم، زمانی که تفکر سوسیالیستی با دعوت برای توزیع مساوی ثروت و طغیان علیه استثمار فقرا توسط ثروتمندان ظاهر شد، شروع

به تغییر کرد. کارگران کم درآمد در تعدادی از مراکز شهری بخصوص در فرانسه و آلمان برخی آشوبهای اجتماعی به راه انداختند. کارگران کشورهای صنعتی با به دست آوردن حق رای، تشکیل اتحادیه‌های صنفی، مذاکره درباره افزایش دستمزد، بهبود شرایط کار و حق اعتصاب، دولت را وادار کردند تا اقدامهایی برای بهبود اوضاع طبقه فقیر انجام دهد. تا اواخر جنگ جهانی دوم که شهرها خراب و بیکاری زیاد شد، امنیت اجتماعی فقرا در تمام کشورهای اروپایی تبدیل به یکی از سیاستهای مهم شد.

میزان فقر در جهان

از دهه شصت سازمانهای اقتصادی و اجتماعی بین‌المللی مثل بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان کشاورزی و خواربار (FAO)، سازمان بهداشت جهانی، یونیسف (UNICEF) اداره بین‌المللی کار و غیره به موضوع فقر، علل آن، نقاط رواج آن و طریقه کاهش آن علاقه‌مند بوده‌اند. فقر پدیده‌ای پیچیده و دارای ابعاد بسیاری است و پیدا کردن تعریفی مناسب برای تمام جوامع را مشکل می‌سازد. جوامع مختلف فرهنگها و معیارهای متفاوتی برای زندگی دارند، بنابراین تجویز حداقل نیازهای عمده یک فرد در تمام جوامع کار آسانی نیست. با این همه، گزارش توسعه جهانی (۱۹۸۲) فقر را به این صورت تعریف می‌کند: ««وضعیتی از زندگی که سوء تغذیه، بی‌سوادی و بیماری از مشخصه‌های بارز آن است و خارج از تعریف معقول کمال انسانی است. با وجود این، فقر در یک جامعه خاص و در یک زمان خاص اغلب به نسبت میانگین استاندارد زندگی تعریف می‌شود.» (۷)

بانک جهانی در گزارش سال ۱۹۹۰ خود به منظور تعیین خط فقر رقم جهانی ۳۷۰ دلار را برای هر شخص در سال پذیرفته است تا بهای حداقل کالری مصرف شده و دیگر نیازمندی‌های حیاتی را به دست آورد. آنها که درآمدشان کمتر از این حد است فقیر و آنگاه که پایین‌تر از ۲۷۵ دلار است بسیار فقیرند. این ارقام بر اساس قیمت‌های سال ۱۹۸۵ در برخی از کشورها با درآمد متوسط پایین تخمین زده شده است. مثل بنگلادش، مصر، هند، اندونزی، کنیا، مراکش، و تانزانیا. (۸) این گزارش بر اساس این ارقام ذکر می‌کند که ۳۳ درصد جمعیت جهان سوم فقیرند و هیجده درصد بسیار فقیرند.

پیامدهای فقر، وسیع و گوناگون‌اند. به همراه نگرانیهای اقتصادی، اثرهای اجتماعی و فیزیکی بسیاری در خانواده‌های فقیر پدیدار می‌شود. گزارش سال ۱۹۹۵ یونیسف متذکر می‌شود که چهارده میلیون کودک هر سال به دلیل بیماری و سوء تغذیه می‌میرند و بیست تا سی درصد کودکان در کشورهای زیر صحرای آفریقا قبل از رسیدن به پنج‌سالگی می‌میرند؛ این درصد در هند ۱۲ و در افغانستان ۲۵ است در حالی که در ایالات متحده یک درصد است. این گزارش در مورد سوء تغذیه می‌گوید که اغلب جمعیت کشورهای زیر صحرای آفریقا کالری لازم برای فعالیتهای معمولی را به دست نمی‌آورند و این که بین ۳۰ تا ۶۰ درصد کودکان اتیوپی به دلیل فقر غذایی دچار رشد دیر هنگام هستند. در پاکستان از هر چهار کودک یک تن به دلیل فقر غذایی کم وزن به دنیا می‌آید در حالی که در بنگلادش این عدد یک نفر از هر دو بچه است. (۱۰) در نتیجه سوء تغذیه و کمبود خدمات پزشکی، اختلاف بزرگی در متوسط انتظار زندگی در اروپا (۷۷ سال) و کشورهای فقیری مثل یمن و بنگلادش (۵۳ سال) مشاهده می‌کنیم (۱۱). بررسیهای متعدد انجام شده در بین فقرا فت‌شدید ثبات خانواده، بیماری روحی و انواع رفتارهای غیر اجتماعی مثل جنایت و خطاکاری را نشان داده است. بی‌تفاوتی، بی‌عاطفگی، اعتقاد به جبر و تفویض برای توصیف دورنمای طبقه فقیر استفاده می‌شود. زندگی خانواده ممکن است پر از ترس، وحشت و خشونت باشد. بچه‌ها نوعاً از نظر عاطفی و جسمی عقب مانده بزرگ می‌شوند؛ این وضعیتی است که موجب تکرار چرخه زندگی والدین می‌شود (۱۲).

به سبب شدت فقر در جهان سوم و پیامدهای جدی آن بر ثبات سیاسی، توسعه اقتصادی و روابط بین‌المللی، سازمانهای ملل متحد - بخصوص بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول - علاقه‌مند به بررسی مشکل فقر و ارائه راه‌حلهایی برای مقابله با آن هستند. کنفرانس ملل متحد درباره توسعه اجتماعی که در کپنهاگ در مارس ۱۹۹۵ برگزار شد شواهدی بر توجه جهانی به مساله فقر است. راهبردهای سازمانهای بین‌المللی برای مقابله با فقر

تا پایان دهه شصت، نظریه جدید در میان سازمانهای بین‌المللی این بود که بهترین استراتژی برای مقابله با فقر بهبود رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه است که از طریق تحکیم زیرساختار اقتصادی، تشویق به سرمایه‌گذاری، آزادسازی اقتصاد و بالا بردن خودکفایی در تولید حاصل می‌شود. این نظر بر این باور است که درآمد حاصل از افزایش تولید ناخالص ملی به یک یا چند طریق به نفع تمام بخشهای جامعه است که به مرور زمان منجر به کاهش فقر خواهد شد. این امر به دلیل برخی از مطالعات اخیر لزوماً صحیح نیست؛ این مطالعات نشان داده است فقر ممکن است حتی به رغم رشد اقتصادی زیاد، افزایش یابد، آن چنانکه در مورد برخی از کشورهای امریکای لاتین در طول دهه هشتاد رخ داد. (۱۳)

دکتر محبوب الحق، دبیر بخش برنامه‌ریزی خط مشی بانک جهانی (۸۲-۱۹۷۰) و نایب‌رئیس برنامه‌ریزی و توسعه در پاکستان (۸۸-۱۹۸۲) گفته است که مشخص شده رشد اقتصادی بجز در بخش شهری مدرن و در میزانهای بسیار بالای رشد تولید ناخالص ملی برای توده‌ها خودبه‌خود منافع توده‌ها را تامین نمی‌کند. وی همچنین اضافه کرد که ««ستایش بی‌حد از رشد تولید ناخالص ملی و خودکفایی تولیدی مدت زیادی است پایان یافته است، حتی مدافعان سرسخت رشد اقتصادی حداقل واقعیت‌های عدالت اجتماعی و توزیع را به طور رسمی می‌پذیرند.» (۱۴) یک استاد راهنمای خط‌مشی و مدیریت دولتی نوشت که ««فقر در کل جهان کاملاً در حال رشد است و همانند یک مرض مسری خزنده گسترش می‌یابد. حتی جوامع ثروتمندی مثل ایالات متحده هیچ راه حل مؤثری برای مشکلات مزمن هسته‌های فقر، پیدا نکرده‌اند.» (۱۵)

در پی عدم توفیق رویکرد رشد اقتصادی برای کاهش دادن فقر، سازمانهای بین‌المللی، راهبرد قبلی خود را اصلاح کردند. گزارش توسعه جهانی (۱۹۹۰) رویکردی دوگانه را برای کاهش فقر توصیه کرده است:

- ۱- رشد زیاد و کافی نیروی کارگری بر اساس انگیزه‌های مناسب بازار، زیر ساخت فیزیکی، مؤسسات و تغییرات و نوآوری‌های فن‌آورانه.
- ۲- فراهم آوردن خدمات اجتماعی کافی از جمله تعلیم و تربیت ابتدایی، مراقبتهای مهم بهداشتی و خدمات برنامه‌ریزی خانواده.

با این همه، این گزارش - تا حدی محجوبانه - اضافه می‌کند که #171؛ انتقال پول برای کمک به کسانی که غیر از این صورت کمکی نمی‌گیرند، ضروری است: افراد خیلی فقیر، بیمار، سالمند و شبکه‌های سالم باید مورد حمایت قرار گیرند تا از افرادی که نمی‌توانند ضربه‌های کاهش درآمد را تحمل کنند حمایت کنند.» (۱۶) این گزارش حدس می‌زند که این استراتژی - اگر دنبال شود - فقر را تا سال ۲۰۰۰ از یک میلیارد نفر به ۸۲۵ میلیون نفر کاهش خواهد داد. (۱۷) آمار و ارقام سازمان ملل در کنفرانس خود درباره توسعه اجتماعی (کینهاگ، ۱۹۹۵) نشان می‌دهد که اندازه فقر نسبت به سال ۱۹۸۵، دوپست میلیون نفر افزایش یافته و به ۳/۱ میلیارد نفر رسیده است (۵۲۰ میلیون نفر در آسیای جنوبی، ۳۰۰ میلیون نفر در کشورهای زیر منطقه صحرا، ۱۸۲ میلیون نفر در امریکای لاتین، ۶۹۱ میلیون نفر در آسیای جنوب شرقی، ۱۱۷ میلیون نفر در آسیای شرقی، ۱۳ میلیون نفر در جهان عرب.) (۱۸) ذکر این نکته جالب است که گزارش بانک جهانی اهمیت فراهم آوردن یک شبکه سالم برای افراد ضعیف اجتماع را پذیرفته است. اما اسلام این حقیقت را یک‌هزار و چهارصد سال قبل زمانی که فرمان به زکات داد، تشخیص داد.

میزان فقر در جهان اسلام

تصویری که آمار سازمان‌های بین‌المللی در مورد فقر و توسعه انسانی ترسیم کرده است، جهان اسلام را در میان ملتهای بسیار عقب‌مانده قرار می‌دهد. تمام گزارشها و مطالعات مؤید این نکته است که فقر بر کشورهای زیر منطقه صحرای افریقا و آسیای جنوبی حاکم است. اگر ما کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (۵۲ کشور) را نمایندگان جهان اسلام بدانیم، می‌بینیم که بیست و پنج تایی آنها جزء پنجاه و شش کشور بسیار فقیر از منطقه زیر صحرای افریقا و آسیای جنوبی به شمار می‌روند. در میان پنجاه کشور اولی که در راس توسعه انسانی در جهان قرار دارند، تنها یک کشور یعنی برونئی وجود دارد که در جهان اسلام کمترین جمعیت را داراست، و در میان پنجاه کشوری که در پایین فهرست توسعه انسانی می‌باشند تعداد ۲۳ کشور مسلمان وجود دارد که یازده تایی آنها در کل جهان بسیار عقب افتاده‌اند. اگر چه این آمار برای چندین کشور مسلمان ناقص است، گزارش توسعه انسانی (۱۹۹۴) تخمین می‌زند که ۱۸۵ میلیون نفر در کشورهای سازمان کنفرانس اسلامی وجود دارند که در فقر مطلق به سر می‌برند، یعنی ۲۶ درصد جمعیت کل این کشورها. (۱۹) از آنجا که این آمار در مورد تمام کشورها کامل نیست، تصویر حقیقی حتی بدتر خواهد بود. بنابراین وضعیت فقر در جهان اسلام بخصوص در آسیای جنوبی و منطقه زیر صحرای افریقا تا سالهای زیادی ادامه خواهد یافت. حال چاره‌ای که اسلام برای مشکل فقر می‌اندیشد، چیست؟ و زکات چه نقشی را ممکن است در کم کردن این مشکل ایفا کند؟

چاره فقر در اسلام

اسلام به فقر به عنوان یک مشکل اجتماعی خطرناک می‌نگرد که انسان را به امتحانی می‌کشد که وی را از دین روی‌گردان می‌کند و هویت و ماهیت وی را به مخاطره می‌اندازد. فقر تهدیدی بالقوه برای صلح و ثبات جامعه است. مقاصد و اهداف شریعت در حفظ ایمان، روح بشری، سلاله، اموال و فکر و اندیشه با فقر به انجام نمی‌رسد. این اهداف تأمین نیازهای مهم بشر همانند خوراک، پوشاک، مسکن و ازدواج را می‌طلبد به طوری که احتمال این که افراد به تجاوز از حدود مذهب و اخلاق کشانده شوند، وجود نداشته باشد. اسلام به حکومت و جامعه دستور می‌دهد که در سؤولیت حذف فقر از جامعه سهیم شوند. قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله، در درون کلیت وحی که برای هر مکان و زمانی نازل شده، روشها و وسایل انجام یافتن این مسؤولیت را تعیین کرده‌اند. هدف فلسفه اقتصادی اسلام قبل از هر چیز عبارت است از حذف فقر با برآوردن نیازهای اساسی انسان، تنگتر کردن شکاف بین فقرا و ثروتمندان و توسعه منابع خاکی برای رفاه انسان که هر چیزی در آسمان و زمین مسخر اوست. اسلام در محدوده فلسفه اقتصادی خود راههای بسیاری برای حل مشکل فقر اندیشیده است. برخی از این راهها مربوط به حکومت، و برخی دیگر برعهده جامعه و برخی دیگر وظیفه مشترک حکومت و جامعه است. قبل از بحث درباره زکات، معرفی برخی از وسایل دیگری که اسلام برای روبرو شدن با فقر به کار برده است، مفید است، زیرا نقش زکات را باید در سیمای کلی راه حل اسلام در این باره دید.

الف - نقش حکومت

اسلام افراد را به امرار معاش با کار سفارش می‌کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: #171؛ هیچ‌کس غذایی بهتر از غذایی که با دسترنج خود تهیه کرده است نمی‌خورد. داوود پیامبر علیه السلام عادت داشت از دسترنج خویش بخورد.» (۲۰) بر حکومت لازم است که شهروندان خود را در پیدا کردن کارهایی که در آنها تخصص دارند کمک کند. پیامبر صلی الله علیه و آله به مردی از انصار مدینه که برای دریافت کمک غذایی می‌کرد دستور داد تا تبری به دست آورد و هیزم بشکند و خرجی خانواده خود را درآورد. (۲۱) از حکومت مدرن اسلامی انتظار می‌رود که فرصت کار را برای تمام افراد توانای خود با بهبود بخشیدن به توسعه اقتصادی و تعلیم و تربیت افراد برای شغل‌های متعدد مورد نیاز در بازار کار فراهم آورد. اسلام همچنین به حاکم توصیه می‌کند که درآمدهای فعالیت‌های اقتصادی را به تساوی تقسیم کند تا ثروت ملت صرفاً در میان طبقه ثروتمند جامعه در گردش نباشد. قرآن می‌گوید:

وما افاء الله علي رسوله من اهل القرى فله وللرسول ولذي القربى واليتامى والمساكين وابن السبيل كي لا يكون دولة بين الاغنياء منكم... (حشر/۷)

#171؛ آن غنیمتی که خدا از مردم قریه‌ها نصیب پیامبرش کرده است از آن خداست و پیامبر و خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و مسافران در راه مانده، تا میان توانگران دست به دست نشود.»

از آنجا که آزادی فعالیت اقتصادی به سود ثروتمندان است، باید از طریق عدالت اجتماعی این امر متعادل شود. برای رسیدن به این هدف حکومت می‌تواند از طریق اولویت دادن به فقرا در خط مشی‌های اقتصادی و مالی خود و نیز از طریق سرمایه‌گذاری سنجیده در مناطق فقیرنشین فعالیت‌های اقتصادی خود را پیگیری کند. جهان اسلام از توزیع بی‌تناسب ثروت بین کشورها و در داخل کشورها رنج می‌برد، اما اسلام برای کمک به بخش فقیرتر، دعوت به کم کردن این شکاف می‌کند.

اسلام همچنین به حکومت سفارش می‌کند تا تمام معامله‌های غیر منصفانه و زیان‌بخش به حال جامعه، مثل وام‌های بهره‌دار، فروش

مواد الکلی و مخدر، احتکار نیازمندیهای اساسی، حق انحصاری، فریب در معاملات و غیره را ممنوع کند. حکومت باید از حقوق اموال، اجرائی قراردادهای و توافقنامهها و قانونی بودن تمام معاملات حمایت کند. باید هر کسی که حقوق دیگران را به هر بهانه‌ای پایمال می‌کند، تنبیه کند. چنین حمایتی معمولاً برای اعضای ضعیفتر جامعه سودمند است. از طرف دیگر حکومت مسؤول هر فرد زبردست یا ناتوانی است که حامی ندارد و یا هر فرد نیازمندی است که کمکی دریافت نمی‌کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد شهادت جعفرین ابی طالب (در جنگ موته) که از خود کودکانی به جا گذاشته بود، فرمود: ««من در این دنیا و آن دنیا محافظ آنها هستم. حاکم حافظ کسانی است که هیچ حامی ندارند.» بخاری این حدیث را از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: ««من نسبت به انسان مؤمن از خود او مسؤول‌ترم به طوری که اگر مدیون فوت کند و هیچ مالی نداشته باشد که از آن مال دین وی پرداخت شود، وظیفه من است تا دین او را بپردازم.» (۲۲) از آنجا که هدف اسلام برآوردن نیازهای اساسی افراد است، وظیفه حاکم است تا چنانچه زکات به تنهایی برای رسیدن به آن مقاصد خاص کافی نباشد، مالیاتهای بیشتری از ثروتمندان بگیرد. امام ترمذی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود: ««همانا بر ثروت حقوقی غیر از زکات وجود دارد» سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این آیه از قرآن را تلاوت فرمود:

لیس البر ان تولوا وجوهکم قبل المشرق والمغرب ولكن البر من آمن بالله والیوم الآخر والملائكة والکتاب والنبیین و اتی المال علی حبه ذوی القربی والیتامی والمساکین وابن السبیل والسائلین وفي الرقاب و اقام الصلوة و اتی الزکوة والموفون بعهدهم اذا عاهدوا والصابرین فی الباساء والضراء و حین الباس... (بقره / ۱۷۷)

«نیکی آن نیست که روی خود به جانب مشرق و مغرب کنید، بلکه نیکوکار کسی است که به خدا و روز واپسین و فرشتگان و کتاب خدا و پیامبران ایمان آورد. و مال خود را، با آنکه آن را دوست دارد به خویشان و یتیمان و درماندگان و مسافران و گدایان و دربند ماندگان ببخشد. و نماز گزارد و زکات بدهد و آنان که در بینوایی و بیماری و به هنگام جنگ صبر می‌کنند...».

ابن حزم، فقیه مشهور، این نکته را بیان می‌کند: ««وظیفه ثروتمندان تمام کشورهاست تا از فقرا مراقبت کنند. امام مجبور بود این وظیفه را در صورتی که زکات برای کمک به فقرا کافی نمی‌بود بر عهده ثروتمندان بگذارد.» (۲۳) امام جوینی می‌گوید: ««اگر چنین اتفاق بیفتد که با تمام تلاش ممکن زکات نیاز فقرا را برطرف نکند، وظیفه امام است تا از باقیمانده نیازمندان به عنوان اولین اولویت خود مراقبت کند، زیرا کل جهان نمی‌تواند ضرری را که متوجه یک فرد فقیر از جانب مسلمانان شده است، جبران کند.» (۲۴) متوسط درآمد سرانه قطر، بحرین، سوریه و یمن مربوط به سال ۱۹۹۱ است و سومالی مربوط به سال ۱۹۹۰ است، لیبی و سودان مربوط به سال ۱۹۸۸، لبنان سال ۱۹۸۷، عراق ۱۹۸۹ و آلبانی ۱۹۸۶ می‌باشد.

قزاقستان و ازبکستان در سازمان کنفرانس اسلامی به صورت ناظر شرکت کردند. فلسطین و زنگبار عضو هستند ولی هیچ اطلاعاتی در مورد آنها در دسترس نیست.

ب - نقش جامعه

اسلام در رفع فقر، بیشتر بر نقش جامعه تاکید دارد تا نقش حکومت، زیرا از جامعه می‌خواهد که پرداخت زکات یک عمل عبادی داوطلبانه باشد تا روابط برادرانه را بین مؤمنان استحکام بخشد و دلیل دیگر این که جامعه از حکومت به نیازمندان نزدیک‌تر است. اسلام با هدفی که در این باره دارد به مسلمان فرمان می‌دهد تا از خویشاوندان نزدیک خود مراقبت کند. حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: ««دست دهنده بالاترین دست است و از وابستگان خود شروع کنید؛ مادر، پدر، خواهران و برادران و سپس نزدیکترین خویشان.» (۲۵) امام ابوحنیفه بر مسلمانان فرض دانسته است تا از خویشاوندان نیازمند نزدیک خود حتی اگر کافرند حمایت کنند. (۲۶) به حاکم اجازه داده می‌شود تا پرداخت مقدار معینی پول را از سوی افرادی که از حمایت افراد نیازمند در میان خویشاوندان نزدیک خود امتناع می‌کنند، بخصوص والدین و برادران و خواهران صغیرش، مقرر دارد. قوانین ارث و سیله‌ای است برای توزیع ثروت در میان دایره وسیعی از خویشاوندان. اسلام توجه خاصی به خویشاوندان، همسایگان و افراد گرسنه دارد. حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله آن قدر کمک به همسایگان را توصیه می‌فرمود که صحابه گمان کردند که همسایه نیز سهمی از میراث همسایگان ثروتمند دارد. (۲۷) پیامبر صلی الله علیه و آله همین‌طور در مورد گرسنگان هشدار می‌دهد که: ««اگر شخصی گرسنه بخوابد، تمام مردم آن محل در این باره مسؤولند که عهد خداوند را رها کرده‌اند.» (۲۸) اما روش مهمی که اسلام به وسیله آن تلاش می‌کند تا فقر را از جامعه بزاید، زکات است زیرا هدف آن در اولین مرحله فقر است و زکات از سوی بخش عظیمی از افراد که صاحب نصاب هستند پرداخت می‌شود. بعلاوه حکومت مسؤول برنامه ریزی برای جمع‌آوری و توزیع زکات است.

نقش زکات در رویارویی با فقر

زکات بر این فلسفه روشن اسلامی مبتنی است که مالک واقعی ثروت خداست و این که مالکیت صرفاً به انسانها سپرده شده است تا از آن ثروتی که به دست آورده‌اند استفاده کنند. قرآن می‌فرماید:

وانفقوا مما جعلکم مستخلفین فیہ... (حدید/۷)

«و از آن مال که به وراثت به شما رسانده است، انفاق کنید.»

اسلام برای افزایش ثروت افراد با توجه به رفاه کل جامعه مقررات خاصی تعیین کرده است. تمام مخلوقات آفریده‌های خدایند و او روزی دهنده آنان است و این است علت آن که وی به مؤمنان دستور می‌دهد تا مراقب نیازمندان و فقرا باشند. از این دیدگاه کلی زکات برای از بین بردن فقر واجب شده است. جالب توجه است ذکر کنیم که کشورهای بسیار پیشرفته در غرب تا اولین ربع قرن بیستم در مورد اجرائی یک نظام فراگیر امنیت اجتماعی فکری نکرده بودند. ««حتی اکنون به نظر می‌رسد احساس کلی این باشد که این نعمتی است که صرفاً کشورهای بسیار ثروتمند می‌توانند از آن بهره ببرند.» (۲۹) مسلمانان به دلیل ماهیت مذهبی زکات از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا کنون به پرداخت آن ادامه داده‌اند. در جهان اسلام شش کشور وجود دارد که زکات را بر اساس

قانون جمع‌آوری می‌کنند: یمن، عربستان سعودی، لیبی، سودان، پاکستان و مالزی، در حالی که هفت کشور دیگر مؤسسات خاصی برای جمع‌آوری زکات بصورت داوطلبانه ایجاد کرده‌اند یعنی مصر، اردن، کویت، ایران، بنگلادش، بحرین و عراق. (۳۰) تقریباً در هر کشوری که در آن تعداد زیادی از مسلمانان وجود دارند، برخی مساجد یا سازمانها یا افراد مسؤلیت جمع‌آوری و توزیع زکات را بر عهده دارند. خصوصیت دیگر زکات آن است که کاملاً مشخص شده از چه کسی باید گرفته شود و به چه کسی باید داده شود. دولت وقت نمی‌تواند هر طور که می‌خواهد زکات را به مصرف برساند.

از آن جا که مهمترین مورد مصرف زکات فقرا هستند، و خطمشی توصیه شده در مطالعات معاصر مشخص می‌کند که برای از بین بردن کامل فقر، «؛ هر کشور نیازمند یک شبکه ایمنی اجتماعی مناسب برای جذب افرادی است که از بازار کار اخراج می‌شوند. (۳۱) زکات به دلیل ماهیت ثابت و همیشگی خود به حکومت اجازه می‌دهد تا نوعی راهبرد دراز مدت را در مقابله با فقر بنا نهد. در مصرف زکات، اولویت‌باید به فقرای همان منطقه‌ای داده شود که از آنجا زکات جمع‌آوری شده است. این حکم احساس مطلوبی از همبستگی بین فقرا و ثروتمندان آن ناحیه ایجاد می‌کند. زکات بر خلاف مالیات، بین افرادی که زکات را می‌پردازند و آنهایی که آن را جمع‌آوری و توزیع می‌کنند اختلاف ایجاد نمی‌کند و با پایین‌ترین هزینه جمع‌آوری می‌شود. حتی در مورد جمع‌آوری قانونی آن، اکثر عاملان، کار خود را داوطلبانه انجام می‌دهند. چون زکات به طور سالانه از سرمایه برداشت می‌شود باعث تشویق سرمایه‌گذاری می‌شود؛ در غیراین صورت سرمایه بتدریج با کم کردن زکات از بین می‌رود.

تعریف فقر

فقها تعاریف متفاوتی برای دو گروه اشخاص تهیدست ارائه کرده‌اند: فقرا و مساکین. این دو کلمه در ابتدای آیه‌ای از قرآن آمده‌اند که افراد مستحق دریافت زکات را ذکر می‌کند:

انما الصدقات للفقراء والمساكين والعاملین علیها والمؤلفة قلوبهم وفي الرقاب والغارمین وفي سبیل الله وابن السبیل فریضة من الله والله علیم حکیم. (توبه /۶۰)

«؛ صدقات برای فقیران است و مسکینان و کارگزاران جمع‌آوری آن و نیز برای به دست آوردن دل مخالفان و آزاد کردن بندگان و قرضداران و انفاق در راه خدا و مسافران نیازمند، و آن فریضه‌ای است از جانب خدا و خدا دانا و حکیم است.»

ابویوسف شاگرد ابوحنیفه و ابن‌القاسم رفیق مالک گفته‌اند که معنی هر دو یکی است. اکثریت علما گفته‌اند که آنها دو اصطلاح برای یک طبقه هستند که طبقه نیازمندان است. (۳۲) امام طبری می‌گوید: «؛ فقیر شخص نیازمندی است که با درخواست کمک از مردم خود را خوار نمی‌کند و مسکین شخص نیازمندی است که از مردم درخواست کمک می‌کند.» (۳۳) شیخ قرضاوی کسانی که مستحق زکاتند یعنی فقرا و مساکین را به سه دسته طبقه بندی می‌کند:

۱- کسانی که اموالی ندارند و منبع درآمد نیز ندارند.

۲- آنها که اموال کمی دارند و درآمد هم دارند ولی درآمدشان کمتر از نیمی از نیازهایشان است.

۳- آنها که کمی مال و ثروت و درآمد دارند

مالکیه و حنبلیه درباره نیازهای فقرا در دوره یک ساله، و شیعه در دوره کل زندگی شخص سخن می‌گویند. (۳۴)

از گفتار بالا می‌توان نتیجه گرفت که فقر نسبی است و بر اساس شرایط جوامع، متفاوت است. با این همه، افراد فقیر در سطوح مختلفی وجود دارند، یعنی افرادی که کمی دارایی دارند و آنهایی که هیچ دارایی ندارند. این نتیجه با نتیجه‌ای که سازمانهای بین‌المللی به آن رسیده‌اند متفاوت نیست، اما فقهای مسلمان موارد زیر را جزو نیازهای اشخاص فقیر قرار می‌دهند: اثاثیه منزل، پوشاک، حیوانی اهلی برای حمل و نقل یک خدمتکار در صورتی که موقعیت اجتماعی اش اقتضا کند، کتاب و...

این بدان معناست که خط فقر در نظر علمای مسلمان بسیار بالاتر از حدی است که توسط بنگاههای بین‌المللی ارائه شده است.

قوانین زکات که در برخی از کشورهای مسلمان پذیرفته شده است تعاریف ساده و قابل انعطافی را در مورد اشخاص مستحق زکات به عنوان فقرا و مساکین، به کار می‌برند. قانون زکات در سودان فقرا را به کسانی اطلاق می‌کند که «؛ غذایی یک سال خود را ندارند و سرپرست خانواده‌ای که درآمد کافی برای اداره خانواده‌اش ندارد. این قانون همچنین دانشجویان تمام وقتی را که نمی‌توانند هزینه تحصیل خود را فراهم کنند را شامل می‌شود.» مساکین را نیز به این صورت تعریف می‌کند: «؛ نیازمندی که پول کافی برای غذا به دست نمی‌آورند، شامل معلولان و افراد ناتوانی که هزینه دارویی خود را ندارند و نیز قربانیان حوادث طبیعی.» (۳۵) قانون زکات لیبی مربوط به سال ۱۹۷۱ می‌گوید: «؛ فقیر، یعنی کسی که نیاز غذایی خود به مدت یک سال را ندارد و مسکین کسی است که مالک هیچ چیز نیست.» (۳۶) قانون پاکستان به دنبال تعریف ظاهری نیست بلکه از جنبه کلی می‌گوید صندوق زکات باید برای اهداف زیر مورد استفاده قرار گیرد: «؛ کمک به نیازمندان، تهیدستان و فقرا، بویژه کودکان و زنان بی سرپرست، معلولان جسمی و ذهنی که بر اساس قانون شرع برای خرجی زندگی شان و برگشتن به حال اولیه مستحق دریافت زکاتند.» (۳۷) از گزارشهای خانه زکات کویت روشن است که کمک مالی آنها که به نام فقرا و مساکین داده می‌شود، به کودکان، زنان بی سرپرست، پیران، بیماران، خانواده زندانیان یا نگهداران از دست رفته، دانش‌آموزان فقیر و کسانی که درآمد پایین و کم دارند، می‌رسد. (۳۸) بانک ناصر در مصر در زمینه توزیع زکات بین فقرا از رویکردی مشابه پیروی می‌کند.

از نمونه‌های بالا آشکار می‌شود که تعریف فقیر و مسکین هیچ مشکل عملی برای توزیع زکات ایجاد نمی‌کند. از آن جا که زکات توسط مردم ساکن یک محل پرداخت می‌شود، آنها نسبت به وضعیت مردمی که اطراف آنها زندگی می‌کنند آگاهند و می‌توانند نیازهای مهم آنها را بر اساس معیارهای زندگی در آن ناحیه برآورد کنند. قابل درک است که نیازهای جوامعی مثل سودان یا پاکستان با نیازهای جامعه کویت متفاوت خواهد بود. همچنین منطقی به نظر می‌رسد که بیشترین تاکید باید بر فقیرترین فقرا در هر جامعه‌ای باشد.

به فقیر چه چیزی باید داد؟

نظر کلی در میان فقها آن است که به فقرا و مساکین باید چیزی داد که بدون محدودیت در اندازه، آنها را راضی کند. این نظر بر هدف شریعت برای حذف فقر و علل گرسنگی و نیاز مبتنی است، چنان که قبلا شرح داده شد. عمر بن خطاب به کارگزاران خود در مورد زکات چنین دستور می‌دهد: «#171؛ هنگام توزیع زکات برای فقرا به آنها به اندازه‌ای بدهید تا راضی شوند، پرداخت زکات به آنها را تکرار کنید، حتی اگر بخواهد یکصد شتر بگیرد.» (۳۹) این است علت آن که برخی فقها می‌گویند به یک مرد فقیر باید تا اندازه‌ای که برای بقیه زندگی‌اش راضی شود، زکات داده شود. امام نووی گفته است: «#171؛ به فقیر و مسکین باید چیزی داده شود که آنها را از فقر بیرون آورد و به خودکفایی پایدار برساند و این است آنچه شافعی به آن حکم کرده است.» (۴۰) بر اساس گفته نووی «#171؛ خودکفایی» به معنی غذا، لباس، خانه و تمام چیزهایی است که برای شخص و خانواده‌اش آن‌گونه که در شان آنهاست بدون ولخرجی یا خست لازم است. (۴۱) ابن حزم نظری مشابه دارد: «#171؛ فقرا و مساکین باید غذا، لباس زمستانی و تابستانی، خانه‌ای که آنها را در مقابل باران، خورشید و نگاه‌های عابران نگاه دارد، دریافت کنند.» (۴۲)

نظر دیگر را مالکیه و اکثریت حنبلیه داده‌اند که گفته‌اند به فقرا و مساکین چیزی را باید داد که برای آنها و خانواده‌شان برای یک سال کامل کافی باشد، زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله غذایی یک سال را برای خانواده‌اش ذخیره می‌کرد. (۴۳) من نظریه ابن حزم را در این باره چنین دیدم: «#171؛ در مورد مقدار زکاتی که به شخص داده می‌شود اندازه معینی وجود ندارد. می‌توان به او مقدار بسیار زیاد یا کم داد. قرآن و سنت برای آن حدی قایل نشده‌اند. (۴۴)»

صرف نظر از آنچه فقها گفته‌اند، هزینه کردن زکات منحصر به درآمد واقعی زکات و تعداد حقیقی افراد فقیر جامعه بستگی دارد. این مساله بیش از آن که نظری باشد، عملی است که درآمد حاصل از زکات در اکثر کشورهای اسلامی برای برآوردن نیازهای مهم فقرا در بقیه عمرشان یا حتی به مدت یک سال کافی نیست. کشورهای مسلمان که زکات را می‌گیرند رویکردی میانه را که جمع بین دو راه زیر است پذیرفته‌اند: کمک فوری اما محدود به فقرا و توانبخشی طولانی مدت به فقرا که ایشان را نسبت به مالکیت یک منبع درآمد مداوم توانا گرداند. شورای مرکزی زکات در پاکستان مقرر کرد که نباید بیش از ۴۵ درصد پول زکات موجود در کمیته‌های محلی به صورت کمک ماهانه به فقرا داده شود و نباید کمتر از ۴۵ درصد بصورت توانبخشی به فقرا داده شود. شوراهای ایالتی باید ۴۰ درصد پول زکات خود را صرف دانشجویان فقیر دانشگاهها، طلاب علوم دینی و مراکز تربیتی کنند. (۴۵) سودان ۶۵ درصد سهم فقرا و مساکین را به صورت کمک فوری به فقرا داده است و ۳۵ درصد بقیه را صرف وسایل تولید کرده (یعنی ماشینهای خیاطی، تعدادی گوسفند، وسایلی برای کار هنری مشابه و غیره) و مالکیت آنها را به فقرا منتقل ساخته است. خانه زکات در کویت و بانک ناصر در مصر عملی مشابه را انجام می‌دادند. این نمونه‌ها نشان می‌دهد که مؤسسات فعلی زکات این نظر را پذیرفته‌اند که به فقرا باید آن قدر داد تا فقر آنها را به صورت همیشگی از بین ببرد اما موجودی این مؤسسات به آنها اجازه نمی‌دهد تا این منظور را در مورد هر شخص نیازمندی که توانایی کار ندارد، محقق سازند. برخی از کشورهای ثروتمند مسلمان مثل کویت، امارات و عربستان سعودی بنگاههای خاصی برای توزیع مازاد زکات در برخی از کشورهای فقیر مسلمان در آسیا و آفریقا ایجاد کرده‌اند.

سهم فقرا از زکات

قرآن کریم هزینه کردن زکات را برای هشت گروه از مردم تعیین کرده است. بنابراین سهم تهیدستان، یعنی فقرا و مساکین در بین کل این هشت گروه چیست؟ شیخ قرضاوی پس از ارائه نظریات فقهای متقدم در این باره این‌طور نتیجه‌گیری می‌کند که پول زکات باید به تمام هشت گروه داده شود اگر چنانچه این پول زیاد است و درجه نیاز آنها مثل هم است. لازم نیست سهمهای برابر به گروههای مختلف بدهیم، سهم هر گروه باید بر اساس تعداد و وضعیت نیازشان باشد. (۴۶) امام ابو عبید نظری مشابه این دارد. از آن جا که تساوی این تقسیمها ضروری نیست، بیشترین سهم باید به فقرا داده شود، زیرا روشن است که تاکید قرآن و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله متوجه فقر است. برخی از فقهای متقدم این امر را تشخیص داده‌اند. ابن شهاب زهري گفته است: «#171؛ سزاوارترین این خانواده‌ها برای دریافت زکات بزرگترین آنها در تعداد و نیازمندترین آنهایند.» (۴۷) هدف زکات بر اساس گفته محمد بن حسن شیبانی فقیه مشهور حنفی برآوردن نیازهای فقراست و اگر زکات از عهده این مهم برنیاید، امام باید از منابع دیگر خود برداشت کند، به طوری که بتواند هر شخص فقیر و خانواده‌اش را قانع کند. (۴۸)

اگر ما به هشت طبقه اشخاص که مستحق صدقه هستند آنچنان که در قرآن ذکر شده است نظری بیندازیم، می‌بینیم که حداقل پنج طبقه آنها می‌توانند فقیر قلمداد شوند، چه در واقع و چه به طور موقت که عبارتند از: فقرا، مساکین، بردگان، بدهکاران و در راه ماندگان نیازمند. حالت فقری که در جهان اسلام حاکم است ایجاب می‌کند که در توزیع زکات اولویت به فقرا داده شود تا این که فقر از جوامع مسلمان زدوده شود. تبعات جدی فقر امروزه برای ما از هر زمان دیگری در گذشته روشنتر است. نگران کننده است بدانیم که اغلب مؤسسات جمع‌آوری زکات نظریه اولویت دادن به فقرا را می‌پذیرند. قانون پاکستان ۹۰ درصد پول زکات را به فقرا اختصاص می‌دهد و دولت حقوق کارمندان شورای مرکزی زکات را از منابع خود می‌پردازد. (۴۹) قانون زکات سودان نظریه توزیع زکات بین تمام هشت‌گروه را می‌پذیرد اما هیات معتمدان (Trustees Board of) پرداخت ۴۵ درصد کل درآمد به فقرا و مساکین را به اضافه دو درصد به بدهکاران و سه درصد به در راه ماندگان مقرر می‌دارد. (۵۰) بررسيها و گزارشهاي نوشته شده در مورد خانه زکات و بانک ناصر نشان می‌دهد که آنها بیشتر زکات را بین فقرا و کسانی توزیع می‌کنند که درآمد پایینی دارند. خانه زکات بیش از بیست دفتر خارج از کویت برای کمک به کشورهای مسلمان که با فقر و بدبختی مواجه می‌شوند تاسیس کرده است. در سال ۱۹۳۳ مقدار هزینه‌ای که توسط خانه زکات در خارج کویت شده است به ۱۲/۵ میلیون دلار رسید. (۵۱)

درآمد زکات

درآمد زکات مستقیماً با منابعی که زکات از آنها جمع‌آوری می‌شود، مرتبط است. فقها در گذشته و حال در تعیین این منابع بین دو نظر اختلاف دارند. برخی دامنه وسیعی از منابع را برمی‌گزینند و برخی فقط منابع محدودی را مشمول پرداخت زکات می‌دانند. معتقدان

به منابع محدود نظرشان مبتنی بر مثالی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در جمع‌آوری زکات زده‌اند حال آن که گروه دیگر نظرشان مبتنی بر موضوعات تصریح شده زکات و معنای کلی متون مذکور در قرآن و سنت است. مدافع نظریه محدود ابن حزم است که آن را منحصر به منابعی می‌کند که توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله این گونه بیان شده است: طلا، نقره، گندم، جو، خرما، شتر و گوسفند. (۵۲) در سوی دیگر امام ابوحنیفه منابعی را که می‌توان از آنها زکات برداشت شامل تمام محصولات کشاورزی بعلاوه اسب و جواهر می‌داند. (۵۳) بسیاری از علمای معاصر مثل ابوزهره، عبدالوهاب خلاف، غزالی، قرضاوی و مصطفی زرقه طرفدار توسعه منابع زکات هستند و معتقدند با گذشت زمان بسیاری از منابع جدید درآمد و تولید ثروت از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله گسترش یافته‌اند. شیخ زرقه می‌گوید که اغلب قوانین جزئی زکات چنان که توسط مکاتب فقهی تعیین شده است، اجتهاد مستقل این مکاتب است که مبتنی بر تفسیر شخصی آنها از متون می‌باشد. پیشرفتهایی که از زمان آنها در جهان شده است تغییر تفسیری از متون را می‌طلبد و قوانین مناسبی را بر اساس اجتهاد جدید تدوین می‌کند (۵۴). شیخ قرضاوی نظرات متفاوت فقهی را به تفصیل در کتاب ارزشمند خود یعنی زکات بحث کرده است و نتیجه گرفته است که مواردی که قابل اخذ زکات است باید بر اساس نیازهای آن زمان توسعه یابد. وی حوزه گسترده‌ای از منابعی را ذکر می‌کند که قابل اخذ زکات هستند: تمام محصولات کشاورزی و دامداری، ثروتهای فلزی و دریایی، املاک درآمدزا مثل ساختمانها و کارخانه‌ها، دستمزدها و درآمدهای شغلی، سهامها و اوراق قرضه به اضافه منابع دیگر. (۵۵) این نظریه برای نیازهای عصر ما مناسب است و به حذف فقر در جهان اسلام کمک خواهد کرد.

خوشبختانه مؤسسات جدید زکات نظری مشابه با نظر شیخ قرضاوی را پذیرفته‌اند. قوانین زکات در سودان، پاکستان، یمن و مالزی این نظر را قبول دارند که تمام انواع محصولات و میوه‌ها قابل اخذ زکات هستند. عربستان سعودی، سودان و کویت درآمدهای حاصل از اموال سرمایه‌ای را مشمول زکات می‌دانند و قوانین عربستان، مالزی و سودان زکات بر مزد و شغل را می‌پذیرند. تنها یمن از شرکت‌های عمومی و سازمانهای تجاری زکات می‌گیرد و قوانین سودان و کویت زکات بر محصولات حیوانی را می‌پذیرند. قوانین لیبی و سودان فلزات و مواد معدنی را مشمول زکات می‌داند. (۵۶) قانون پاکستان فعالیت‌های سرمایه‌گذاری، حساب‌های پس انداز، اوراق قرضه و سهام در بانک‌های خصوصی را مشمول زکات می‌داند. برخی از مؤسسات زکات مقداری از پول خود را برای درآمد زایی بیشتر، سرمایه‌گذاری می‌کنند. این نظر را عمل پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و صحابه وی که اجازه دادند گوسفند زکات دوباره تولیدمثل کند، تایید می‌کند. (۵۷)

ما در این جا نمونه‌هایی از درآمد واقعی زکات را در برخی از کشورهای مسلمان ارائه می‌دهیم. سه مورد اول زکات را از طریق قانون جمع‌آوری می‌کنند، حال آن که دو نمونه آخر را داوطلبانه جمع می‌کنند. سپس درآمد واقعی را با درآمدهای تخمینی چنان که توسط برخی از محققان حساب شده است، مقایسه خواهیم کرد.

۱ - یمن

درآمد زکات در سال ۱۹۷۴-۱۹۷۳ ۱۵/۷۴ میلیون ریال یمن

درآمد زکات در سال ۱۹۸۹ ۵/۴۹۹ میلیون ریال یمن

درآمد زکات در سال ۱۹۹۰ ۵۱۱/۵ میلیون ریال یمن

زکات صرفاً از تولیدات کشاورزی، حیوانات اهلی، کالاهای تجاری، پول و زکات فطر جمع‌آوری می‌شود.

زکات محصولات بین ۵۰ تا ۶۰ درصد کل درآمد است.

دلار در سال ۱۹۹۰ برابر ۱۴ ریال بود.

۲ - پاکستان

درآمد زکات در سالهای ۸۱-۱۹۸۰ ۸۴۴/۲۵ میلیون روپیه پاکستان

درآمد زکات در سالهای ۹۱-۱۹۹۰ ۲۷۰۵/۵۳۱۹۹۰ میلیون روپیه پاکستان

درآمد زکات در سالهای ۱۹۹۲-۹۳ ۱۵/۲۵۵۸ میلیون روپیه پاکستان

زکات کشاورزی از ۱۷۹ میلیون روپیه در سال ۱۹۸۲-۸۳ تا فقط ۰/۲ میلیون در سال ۱۹۹۳-۹۴ به دلیل عدم موفقیت در جمع‌آوری زکات کاهش یافت.

دلار در سال ۱۹۹۲، ۳۰ روپیه بود.

۳ - سودان

درآمد زکات در ده سال (۱۴۰۹-۱۴۰۰) ۲۳۸ میلیون پوند سودان

درآمد زکات در سالهای ۹۱-۱۹۹۰ ۵۷۰ میلیون پوند سودان

درآمد زکات در سالهای ۱۹۹۲-۹۳ ۳۳۷۵ میلیون پوند سودان

درآمد زکات در سالهای ۹۵-۱۹۹۴ ۱۵ میلیارد پوند

زکات بخش کشاورزی حدود ۷۶ درصد کل درآمد است.

زکات مربوط به چهار پایان در سال ۱۹۹۳، ۲۳۹ میلیون پوند بود ولی فقط به ده درصد مقدار تخمینی آن رسید. افراد پست عادت به پرداخت زکات نداشتند.

دلار در سال ۱۹۹۰، ۲۰ پوند و در سال ۱۹۹۳، ۴۰۰ پوند سودان بود.

۴ - کویت

درآمد داوطلبانه از زکات در سال ۱۹۸۲ ۶۴۵/۰۰۰ دینار کویت

درآمد داوطلبانه از زکات در سال ۱۹۸۳ ۰۰۰/۹۶۶ دینار کویت

درآمد داوطلبانه از زکات در سال ۱۹۹۳ ۳۲/۲/۰۰۰ دینار کویت

درآمد داوطلبانه از زکات در سال ۱۹۹۴ ۲/۲۳۶/۰۰۰ دینار کویت

دولت هر سال چهار میلیون دینار خرج کرد تا صندوق زکات را تحکیم بخشد. اما دولت مثل دیگر کشورهای تولید کننده نفت بر ثروت نفتی زکات مقرر نکرد.

دینار کویت برابر است با ۳/۳۳ دلار آمریکا

۵ - مصر: بانک ناصر

زکات داوطلبانه که در سال ۱۹۷۳ به بانک ناصر داده شد ۲۹۳۰۰ پوند مصري

زکات داوطلبانه که در سال ۱۹۸۳ به بانک ناصر داده شد ۴/۲۱ میلیون پوند مصري

زکات داوطلبانه که در سال ۱۹۹۰ به بانک ناصر داده شد ۲۱/۹ میلیون پوند مصري

زکات داوطلبانه که در سال ۱۹۹۴ به بانک ناصر داده شد ۴۶/۶ میلیون پوند مصري

دلار در سال ۱۹۸۵ برابر ۱/۵ پوند مصري و در سال ۱۹۹۴ برابر سه پوند مصري بود.

تمام بررسی‌ها متفق‌اند که درآمد واقعی زکات در کشورهای مختلف بسیار کمتر از مبلغی از زکات است که بالقوه بر ثروت آن کشورها بسته می‌شود. دکتر عبدالله طاهر تخمینی را در مورد درآمد زکات در هیجده حکومت مسلمان (که هشت تای آنها کشورهای تولید کننده نفت هستند) بر اساس آمار سازمان ملل درباره درآمد آن کشورها در سال ۱۹۸۰، ارائه می‌دهد. وی نتیجه‌گیری می‌کند که کشورهای تولید کننده نفت باید زکات را بین ۱۰ تا ۱۴ درصد تولید ناخالص داخلی‌شان جمع‌آوری کنند. زکات برای کشورهای غیر تولید کننده نفت باید بین ۳/۵ تا ۷ درصد تولید ناخالص داخلی باشد. (۵۸) این تخمینها شامل زکات چارپایان اهلی، پول، اوراق قرضه، طلا و نقره نمی‌شوند، زیرا نویسنده نتوانسته است اطلاعات مربوط را در مورد آنها به دست آورد. دکتر منذر کف بررسي مفصلي پيرامون درآمد زکات در هشت کشور زیر انجام داده است: مصر، اندونزی، پاکستان، قطر، عربستان سعودی، سودان، سوریه و ترکیه. وی تصور کرد که جمع‌آوری زکات بر سه نظر فقهی متفاوت مبتنی است:

(۱)- نظریه اکثریت فقها;

(۲)- نظریه شیخ قرضاوی;

(۳)- نظریه ابن عقیل حنبلی

وی دریافت که درصد زکاتی که تولید ناخالص داخلی هر کشور به آن مربوط است، براساس سه نظریه مذکور چنین است:

جدول بالا نشان می‌دهد که درصد میانگین درآمد زکات براساس اولین نظریه در این کشورها ۱/۶ درصد تولید ناخالص داخلی و ۳/۷ و ۴/۳ درصد به ترتیب براساس نظرات دوم و سوم است. (۵۹) این تخمینها که از آن محمد انس زرقه است با تخمینهای طاهر و کف مشابه بود. وی از بررسی خود در مورد سوریه و سودان نتیجه‌گیری می‌کند که درآمد زکات می‌تواند سه درصد تولید ناخالص داخلی باشد. (۶۰) دکتر مقبل ذاکر در پایان نامه دکترای خود (در سال ۱۹۹۳) دریافت که درآمد زکات در عربستان سعودی باید به حدود ۵۸۰۲/۴ میلیون ریال سعودی (۱۵۴۶ میلیون دلار) در سال ۱۹۸۶ رسیده باشد که برابر است با ۲/۷۳ درصد تولید ناخالص داخلی عربستان سعودی در همان سال. (۶۱) وی برخلاف عبدالله طاهر درآمد نفت را مشمول زکات نکرد. یک بررسی توسط وزارت دارایی کویت با کمک برنامه توسعه سازمان ملل متحد برآورد کرد که زکات مناسبی که از شرکتها و مؤسسات تجاری کویتی اخذ شده می‌باید در سال-۹۳ ۱۹۹۲،۷۳۳ میلیون دلار باشد که با ۱۲ درصد کل درآمد دولت در آن سال مطابق است. (۶۲)

بررسی آماری کاربردی که توسط خانم وفاء محمد احمد درباره اثرهای زکات بر سرمایه‌گذاری در جمهوری عربی مصر انجام شده است، نشان داد که درآمد زکات در سه سال متوالی چنین بوده است:

سال ۱۹۵۸ برابر ۲۳۰۹ میلیون پوند مصري

سال ۱۹۸۶ برابر ۲۳۹۲ میلیون پوند مصري

سال ۱۹۸۷ برابر ۲۶۴۱ میلیون پوند مصري

این برآورد براساس ارقام رسمی ارائه شده توسط بانکها و بخشهای دولتی انجام شد. (۶۳) اگر ما زکات سال ۱۹۸۵ را در این بررسی با درآمد واقعی زکات جمع شده توسط بانک ناصر در همان سال مقایسه کنیم، می‌بینیم که مقدار جمع‌آوری زکات توسط این بانک صرفاً به ۱/۳۶۰ درصد زکات بالقوه می‌رسد. چودری (Choudhry) زکات بالقوه در مورد محصولات کشاورزی را فقط در پاکستان در سالهای ۸۹ - ۱۹۸۸، ۱۴/۱۱ میلیارد روپیه پاکستانی می‌داند. (۶۴) اداره فدرال آمار در پاکستان برآوردی منطقه‌ای در سال ۹۱ - ۱۹۹۰ انجام داد تا به رقم ۱۴/۴ میلیارد روپیه به عنوان کل زکاتی که توسط ساکنان پرداخت شده رسید. (۶۵) این رقم پنج برابر بیشتر از کل زکاتی بود که توسط دولت در آن سال جمع شده بود و همین امر نشان می‌داد که مردم زکات را خارج از کانال رسمی می‌پرداختند.

اگر ما این پنج کشور که جمع‌آوری زکات آنها قبلاً ذکر شد، بررسی کنیم و آنها را با تولید ناخالص داخلی‌شان بسنجیم، خواهیم فهمید که جمع‌آوری واقعی زکات در مقایسه با تخمین بالقوه آن تا چه اندازه در حد پایین قرار دارد:

۱- زکات در یمن در سال ۱۹۸۹ برابر است با ۰/۶ درصد تولید ناخالص داخلی

۲- زکات در سودان در سال ۹۱ - ۱۹۹۰ برابر است با ۰/۵ درصد تولید ناخالص داخلی

۳- زکات در پاکستان در سال ۹۹ - ۱۹۹۰ برابر است با ۰/۲۶ درصد تولید ناخالص داخلی

۴- زکات در کویت در سال ۱۹۸۸ برابر است با ۰/۰۳ درصد تولید ناخالص داخلی

۵- زکات در مصر در سال ۱۹۸۸ برابر است با ۰/۰۱ درصد تولید ناخالص داخلی

این ارقام نشان می‌دهد که اگر زکات در این کشورها بر طبق هر یک از سه نظریه ذکر شده توسط کف (۱/۶ درصد یا ۳/۷ درصد یا ۴/۳

درصد تولید ناخالص ملی) جمع می‌شود، درآمد چندین برابر می‌گردد. دلایل مهم جمع‌آوری ضعیف زکات در اغلب کشورهای مسلمان عبارتند از:

الف - عدم اجبار قانونی.

ب - محدود کردن جمع‌آوری به منابع محدود.

ج - عدم شایستگی امور اجرایی جمع‌آوری زکات.

د - فقدان اعتماد بین موزعین زکات و اداره جمع‌آوری.

ه - تبلیغات ضعیف درباره اهمیت دینی زکات.

هر چند درآمدهای زکات در تمام کشورهایی که جمع‌آوری آن را سازماندهی کرده‌اند بسیار کمتر از منبع بالقوه آن است، آمارها نشان می‌دهند که افزایش مداومی در درآمد زکات تقریباً در تمام این کشورها وجود داشته است و این نشانه بسیار خوبی است. بعلاوه تعداد کشورهایی که جمع‌آوری زکات را نهادینه کرده‌اند در حال افزایش است.

تأثیر زکات

تجربه تاریخ اولیه اسلام ثابت کرد که وقتی زکات به درستی جمع‌آوری و در بین مستحقان واقعی آن توزیع می‌شد به کاهش و حذف فقر در آن جامعه منجر می‌شد. خلیفه عمر بن خطاب به والی خود در یمن، معاذ بن جبل، پس از آن که برای او یک سوم زکات یمن را فرستاده بود چنین تذکر داد: «#171؛ من تو را به عنوان جمع‌کننده مالیات نفرستادم بلکه برای این فرستادم تا از ثروتمندان بگیری و به فقرا بدهی.» معاذ پاسخ داد: «#171؛ من چیزی را برای شما نفرستادم جز آن که کسی را پیدا نکرده‌ام تا آن را از من بگیرد.» در سال دوم معاذ نیمی از زکات یمن و در سال سوم تمام آن را برای خلیفه به مدینه فرستاد و به وی گفت که هیچ شخص فقیری را برای دادن زکات پیدا نکرده است. (۶۶) داستانی مشابه در زمان عمر بن عبدالعزیز نیز گفته شده است. ناقل مشهور حدیث، امام بیهقی، نقل کرده است که عمر بن عبدالعزیز مردم را تا حدی ثروتمند کرده بودند که هیچ فقیری پیدا نمی‌شد تا زکات را بگیرد. (۶۷) این داستان را فرستاده عمر به افریقا (تونس) که زکات را جمع‌آوری می‌کرد ولی کسی را پیدا نمی‌کرد تا آن را به او بدهد، تایید کرد. وی گفت: «#171؛ من از پول زکات بردگان را می‌خریدم و پس از آن که قول می‌دادند به مسلمانان ببیوندند آنها را آزاد می‌کردم. (۶۸)» این است علت آن که گردآورندگان زکات در گذشته تنها در مورد تهیه غذا برای فقرا کار نمی‌کردند بلکه فراتر از آن می‌رفتند، یعنی دیون بدهکاران را پرداخت می‌کردند، گرچه وی خانه، اثاثیه خانه کنیز و مرکبی داشت؛ و نیز دختران را با همین پول شوهر می‌دادند و بردگان را آزاد می‌کردند. (۶۹)

بنابراین آیا می‌توان حتی امروزه سازمان زکات را برای از میان بردن فقر در جهان اسلام فعال کرد، همچنان که در گذشته‌های دور این کار انجام می‌شده است؟ همان‌گونه که قبلاً ذکر شد، میزان فقر در جهان اسلام یکی از بزرگترین ارقام در کل جهان است. بیش از ۴۰ درصد جمعیت کشورهای مسلمان در فقر زندگی می‌کنند. امروزه نسبت فقر بیشتر از گذشته است و تنفر از فقر به عنوان پیامد عدم عدالت اقتصادی در جامعه، در حال حاضر بیشتر از گذشته احساس می‌شود. از طرف دیگر جمع‌آوری زکات به عنوان ساز و کار مبارزه با فقر در اغلب کشورهای مسلمان مورد غفلت قرار گرفته است. از ۵۲ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی، ۳۱ کشور جمع‌آوری زکات را سازمان داده‌اند که در میان آنها فقط شش کشور این کار را با وضع قانون در این باره به انجام رسانیده‌اند، و حتی یک کشور وجود ندارد که زکات را از تمام منابعی که علمای معاصر مثل شیخ قرضاوی تعیین کرده‌اند، اخذ کند. در همین حال در بعضی از این کشورها پرداختن زکات به دور از انتقاد نیست، زیرا منجر به این می‌شود که برخی از فقرا حقوق خود در زکات را نپذیرند. با وجود استثناهای معدود، جای تاسف است که ما در انتقال زکات از کشورهای ثروتمند به کشورهای فقیر موفق نبوده‌ایم، حال آن که در ایام باشکوه تاریخ اسلام چنین چیزی غالباً اتفاق می‌افتاد. بنابراین تعجبی ندارد که چرا امروزه سازمان زکات قادر به حل مشکل فقر در کشورهایی که آن را به کار می‌گیرند نیست. باید به خاطر داشت که اسلام در حذف فقر صرفاً به زکات آن‌طور که قبلاً در همین مقاله توضیح داده شد، متکی نیست. به‌رغم این نقطه ضعف‌ها، تأثیر زکات در حذف فقر در کشورهایی که جمع‌آوری زکات را نهادینه کرده‌اند مهم است. بررسی این وضعیت در سه کشور مسلمان فقیر یعنی پاکستان، سودان و مصر اعتبار این نتیجه را ثابت می‌کند.

۱ - پاکستان

تجربه پاکستان در مورد زکات به خوبی مورد بررسی قرار گرفته است. در میان بررسی‌های مهم این موارد را می‌توان ذکر کرد: یک بررسی که توسط مؤسسه بین‌المللی اقتصاد اسلامی زیر نظارت دکتر فایز محمد (۱۹۹۲)، مطالعه زمینه‌ای که توسط اداره فدرال آمار انجام شد (۱۹۹۱) و رساله دکترای نسیم شیرازی (۱۹۹۳). از این بررسی‌ها می‌توانیم نکات زیر را نتیجه‌گیری کنیم: جمع‌آوری زکات بسیار کمتر از زکات بالقوه واقعی است و دلیل آن عمدتاً منابع مهمی است که از شمول قانون خارج مانده‌اند مثل طلا، نقره، حسابهای جاری، چارپایان اهلی، کالاهای تجاری، حقوق و اموال یا حرفه‌های درآمدزا. مقدار زکاتی که از تمام این موارد جمع شد از ۷/۷ میلیون ریال در سال ۱۹۹۲-۳ و ۷/۴ میلیون ریال در سال ۱۹۹۳-۹۴ بیشتر نشد. (۷۰) قانون زکات هر کسی را که اعلام کند مسلمان سنی مذهب نیست، از پرداخت زکات معاف می‌کند. چون زکات در اولین روز ماه رمضان هر سال از طرف سازمانهای مالی کسر می‌شود، هر کسی می‌تواند به راحتی از پرداخت زکات بگریزد چنانچه پس انداز خود را قبل از آن تاریخ بردارد. زکات محصولات کشاورزی از ۱۷۹ میلیون ریال به کمتر از یک چهارم میلیون ریال در سال ۱۹۹۳ کاهش یافت. بعلاوه تمام آنچه توسط بانک مرکزی جمع می‌شد نیز به کمیته‌های ایالتی و محلی زکات در همان سال پرداخت نمی‌شد. (۷۱)

در زمینه توزیع، مطالعات منطقه‌ای نشان داد که فقر هنوز هم در پاکستان به رغم بکارگیری نظام زکات از پانزده سال پیش به این سو در طیف وسیعی وجود دارد و این که تعداد زیاد افرادی که از زکات استفاده می‌کنند با مقدار زکات اخذ شده برابری نمی‌کند. (۷۲) گزارش جدید بانک جهانی نشان داد که وقوع فقر مصرفی از ۴۶ درصد در سال ۱۹۸۴/۸۵ به ۳۴ سال ۱۹۹۰-۹۱ کاهش پیدا کرد. این

گزارش پیش بینی می‌کند که اگر رشد مصرف درآمد خصوصی در حد سه درصد باقی می‌ماند فقر مصرفی باید به بیشتر از ۲۲ درصد در سال ۱۹۹۵/۹۶ کاهش پیدا می‌کرد. (۷۳) برخی از اقتصاددانان ارشد، مثل دکتر محبوب الحق که گمان می‌کرد این درصد بیشتر است با این رقم به مخالفت برخاسته‌اند. (۷۴) مستمری ماهانه‌ای که جهت امرار معاش به مستحقان داده می‌شود برای برآوردن نیازهایشان کافی نیست. تعداد افرادی که از صندوق توانبخشی کمک دریافت می‌کنند اندکند و مقدار پولی که به آنها داده می‌شود برای اقدام به یک فعالیت درآمدزا کافی نیست. حدود ۱۵ درصد دریافت کنندگان زکات از نامناسب بودن نحوه پرداخت زکات و عدم درک قوانین اسلامی زکات از سوی تعداد زیادی از کمیته‌های زکات شکایت کرده‌اند. (۷۵)

به رغم مشاهدات انتقاد برانگیز در مورد جمع‌آوری و توزیع زکات، اقدامات نظام زکات در پاکستان قابل ملاحظه است. موفقیت مقطعی این نظام نشان می‌دهد که چنانچه نقایص آن اصلاح شود ممکن است سرانجام به حذف فقر در کل کشور منجر شود. اقدامات عمده را می‌توان چنین خلاصه کرد که افزایش جمع‌آوری زکات بیشتر از افزایش تولید ناخالص داخلی و قیمت‌هاست. در واقع جمع‌آوری زکات بین سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۹ نزدیک حدود ۵۲ درصد افزایش یافته اگر ما نتایجی را که اداره فدرال آمار به آن رسیده است. بپذیریم (۱۹۹۰-۹۱، HIES) در نتیجه، پرداخت زکات در آن سال در واقع پنج برابر (یعنی ۱۴/۴ میلیون روپیه) بیشتر از کل میزانی است که دولت جمع‌آوری کرده است. یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد که بسیاری از مردم آماده پرداخت زکات به عنوان یک وظیفه مذهبی‌اند اما نه از طریق سازوکار دولتی. این بدین معناست که توزیع رسمی زکات چنان که در گزارش‌های اداره مرکزی زکات منعکس شده است تصویر صحیح نقش زکات در جامعه را ترسیم نمی‌کند. همان بررسی نشان می‌دهد که مردم روستایی ۶/۵۷ درصد از کل زکات را در مقایسه با ۴۲/۴ درصد مردم شهری می‌پردازند. (۷۷) فایز درصد افراد فقیری که زکات را به هر طریقی می‌گیرند بین ۵۰ تا ۶۰ درصد تخمین می‌زند. (۷۸) گزارش اداره فدرال آمار (۱۹۹۰-۹۱، HIES) تصدیق می‌کند که زکات نصیب فقیرترین افراد می‌شود، یعنی یک دهم جمعیت بسیار فقیر ۹۴ درصد زکات توزیع شده را دریافت می‌کنند. (۷۹) حدود ۱/۵ میلیون نفر که اغلب سرپرست خانواده هستند، هر سال زکات دریافت می‌کنند. (۸۰) تعداد بیوه‌ها، کودکان و افراد معلولی که از زکات استفاده می‌کنند حدود ۱/۴ میلیون نفرند. آنها ۶/۴ میلیارد روپیه را در طول سیزده سال گذشته دریافت کرده‌اند. ۶۰ درصد از کل پول قابل مصرف به افراد نیازمند به کمک اختصاص داده شده است در حالیکه ۴۰ درصد باقیمانده از طریق کمک مؤسسه‌ای به مصرف رسیده است. (۸۱) خانواده‌هایی که از کمک‌های توان بخشی استفاده می‌کردند به حدود ۲۸ درصد در سال ۱۹۹۲-۹۳ افزایش یافتند و تعدادشان به ۵۸۸۰۰۰ نفر بالغ شد و مقرری در همان سال از ۹۸۰ روپیه به ۳۰۰۰ روپیه افزایش یافت. مقرری کمکی ماهانه برای ۱/۱۵ میلیون خانواده به ۹۹۲ روپیه در سال ۱۹۹۲-۹۳ افزایش یافت. (۸۲) افزایش در پرداخت پول برای مراقبت‌های پزشکی، تعلیم و تربیت، مؤسسات رفاهی اجتماعی و مدارس دینی به ۱۲/۲ درصد در سال ۱۹۹۲-۹۳ رسید. حدود ۴۳۶۰۰۰ نفر از پولی که در آن سال به ۲۵۰ میلیون روپیه رسید استفاده کردند. (۸۳) آنچه در باره اقدامات کمیته‌های زکات ذکر می‌شود این واقعیت صرف است که داوطلب شدن حدود ۲۵۰ هزار نفر برای خدمت در این کمیته‌ها بدون هیچ‌گونه چشمداشت مادی، توانایی زکات را برای تجهیز منابع انسانی نشان می‌دهد. در پرتو نتایج مذکور در بالا اگر جمع‌آوری زکات تا بالاترین حد آن یعنی بین دو تا چهار درصد تولید ناخالص داخلی تحقق پیدا کند و تنها هدف از توزیع آن بخش فقیر جامعه به روشی منصفانه و مؤثر باشد احتمال دارد نظام زکات بخوبی بتواند از عهده حذف فقر از جامعه برآید.

گزارش بانک جهانی درباره نقش زکات در پاکستان این نکته را پذیرفته است که افرادی که زکات را می‌گیرند آسیب پذیرترین گروه جامعه‌اند و این که ۴۸ درصد از خانواده‌هایی که در یک چهارم نهایی خانواده‌های فقیر قرار دارند گیرندگان واقعی زکات هستند که ۴۹ درصد کل هزینه مصرفشان را دریافت کرده‌اند. بر طبق این گزارش برای رساندن مقرری‌های کمکی برای کل این گروه مستحقان باید حدود سه میلیارد روپیه بطور سالانه با نرخ سود جدید هزینه می‌شد. (۸۴)

۲ - سودان

تجربه سودان در مورد زکات برخلاف پاکستان سهمی از مطالعات و بررسی‌های علمی نداشته است. بنابراین منبع اطلاعات ما گزارش‌ها و انتشارات دیوان الزکاة در سودان است. قانون زکات این نظریه فقهی را می‌پذیرد که منابع آن را وسعت‌بخشد به طوری که تمام انواع اموال و درآمد را شامل شود. بجز زکات فطره، تمام زکات‌ها باید از طریق قانون به دولت پرداخت شود. در عین حال قانون به پرداخت‌کننده زکات اجازه می‌دهد تا ۲۰ درصد زکاتش را راسا به مردم پرداخت کند. (۸۵) این امر به احترام رسمی انجام می‌شد که برخی از افراد ثروتمند عادت داشتند زکات را به خویشاوندان خود یا خانواده‌های فقیر یا مؤسسات مذهبی، از مدتها قبل از آن که زکات اجباری شود، بپردازند. به رغم شرط منابع متعدد مشمول اخذ زکات و جدیت دولت در جمع‌آوری زکات، درآمد زکات نیم درصد تولید ناخالص داخلی باقی مانده است. علل این وضعیت احتمالا این است که زکات چارپایان اهلی که یک ثروت قابل ملاحظه در سودان است آن چنان که دیوان الزکاة تخمین زده است فراتر از ده درصد زکات بالقوه در این بخش نرفته است. (۸۶) دامداران بیابانی برخلاف کشاورزان رسم پرداخت زکات نداشته‌اند. اداره زکات ناآزموده است و با امکانات بسیار محدود فاقد کارمند کافی است گرچه جدیت فراوانی دارد. بعلاوه مشکلاتی عملی درباره ارزیابی برخی از منابع ثروت مثل کالاهای تجاری، درآمدهای بخش خصوصی و غیره وجود دارد. به رغم شرط ۲۰ درصد برای بخشنده‌ها، افراد بسیاری وجود دارند که ترجیح می‌دهند زکات خود را خود به مصرف برسانند. با وجود این، آمار زکات نشان داده است که میانگین افزایش زکات در طول چهار سال آخر (یعنی ۱۴۱۵-۱۴۰۰) به رقم بالایی ۱۳۵ درصد در سال رسیده است. (۸۷)

اداره زکات در سودان تلاش کرد تا توزیع زکات را برای همه مستحقانی که در قرآن ذکر شده‌اند به استثنای افرادی که فعلا موجود نیستند مثل بردگان، تعمیم دهد. دیوان این سهم را برای ساختن ادارات خود در نواحی مختلف اختصاص داد. اگر نظری به گزارش سال ۱۴۱۳ هجری به عنوان نمونه‌ای از روش توزیع بیندازیم، تصویر زیر را به دست خواهیم آورد:

درآمد زکات در سال ۱۴۱۳ ه برابر است با ۳/۷۷۵ میلیارد پوند.

الف - سهم سبیل الله (دعوت به جهاد) و آنهایی که قلبهایشان آماده قبول حق است ۱/۶۲۲ میلیارد پوند.

ب - سهم فقرا و مساکین; ۱/۲۵۱ میلیارد پوند.

ج - سهم بدهکاران و ابن السبیل; ۱۰۱ میلیون پوند.

د - سهم عاملان زکات، هزینه ساختمان و اداره زکات ۱/۱۱۰ میلیارد پوند.

ما ذکر کردیم که این توزیع، از درآمد حقیقی آن سال فراتر رفت و سهم فقرا ۳۰ درصد است در حالی که سهم فی سبیل الله (دعوت به جهاد) به ۳۹ درصد رسید. سهم عاملان زکات، ساختمانها و ادارات اجرایی آن نسبتا زیاد است به طوری که به ۲۷ درصد رسید. قابل درک است که جنگ داخلی در جنوب سودان بر توزیع زکات تاثیر گذاشته بود، ولی در همان زمان وضعیت اقتصادی در کشور نیاز به توجه بیشتری به فقرا داشت. هیات معتمدان دیوان الزکوة از فراوانی فقر در کشور آگاه بود و تصمیم گرفت که سهم فقرا ۴۵ درصد درآمد زکات باشد. وزارت دارایی در همان سال تصمیم گرفت سهم فقرا را با پرداخت ۸۰۰ پوند سودان در هر ماه به پانصد هزار خانواده فراهم آورد. اما نتوانست این برنامه را بیش از یک سال ادامه دهد. دیوان همچنین سعی کرد سرپرستان خانواده را برای کار آماده کند. این وزارتخانه در سال ۱۴۱۳ هجری، ۲۸۵ میلیون پوند برای ایجاد امکانات کار برای دوازده هزار خانواده فراهم کرد. نظام زکات در سودان تحت اوضاع اقتصادی و سیاسی سختی اجرا می شود. به رغم افزایش بسیار زیاد در درآمد سالانه، تلاش برای از بین بردن فقر به وسیله زکات به سبب وضعیت عمومی موجود در کشور متوقف شده است. اما با توجه به وضعیت اقتصادی کشور و حجم فقر که ممکن است همانند دیگر کشورهای زیر صحرایا به بزرگی ۴۷ درصد جمعیت باشد، بسیار بعید است تصور کنیم که زکات به تنهایی می تواند فقر را در سودان ریشه کن کند. بر طبق اظهار نظر یک اقتصاددان برجسته سودانی، سیاستهای آزادسازی اقتصادی ۹۵ درصد جمعیت را زیر خط فقر قرار داده است. (۸۸) حتی اگر جمع آوری زکات به چهار درصد تولید ناخالص داخلی برسد و کل درآمد بین فقرا توزیع شود، این امر برای حذف فقر در کشور کافی نیست. به نظر می رسد که از بین بردن فقر در مورد برخی از کشورهای اسلامی نقش فعال عوامل دیگری را می طلبد که قبلا در این مقاله ذکر کردیم و از جمله انتقال مازاد زکات از کشورهای ثروتمند به کشورهای فقیر است.

۳ - مصر

تجربه زکات در بانک ناصر نخستین تجربه است، چون در اوایل دهه ۱۹۷۰ آغاز شد. خصوصیت آن جمع آوری داوطلبانه زکات است و نخستین قدم برای تشکیل کمیته زکات معمولا توسط برخی از شهروندان محترمی برداشته می شود که برای کسب وجهه به بانک روی می آورند. بانک به سهم خود هزینه های اجرایی را تقبل می کند و به این کمیته ها اجازه تصمیم گیری در مورد هزینه کردن زکات را به شکل محلی در جایی که جمع آوری می شوند می دهد. درآمد زکات بین سالهای ۱۹۷۲ تا ۱۹۹۱ به ۱۱۸ میلیون پوند مصری رسید که دوازده میلیون نفر نیازمند از آن استفاده کردند. (۸۹) سازمانهای دیگری نیز وجود دارند که زکات را جمع آوری و توزیع می کنند، مثل الجمعية الشرعية، بانک اسلامی فیصل، جمعیه مسجد محمود و بانک بین المللی اسلامی. بانک ناصر به دلیل کمیته های تخصصی اش (حدود ۵۰۰۰ کمیته در سال ۱۹۹۴) و مقدار زکاتی که جمع می کند مهمترین بانک است. درآمد زکات بانک اسلامی فیصل در طی ۱۴ سال (۱۴۱۴-۱۴۰۰ هجری) حدود ۳۷/۲ میلیون پوند مصری بود. بانک بین المللی در ظاهر منحصر زکات مشتریان خود را دریافت می کند. (۹۰) آنهایی که در سال ۱۹۹۳ از جمعیه محمود زکات دریافت کردند، ۳۰۰۰ خانواده، ۶۸۰۰ بیمار، و ۵۰ دانشجوی کور بودند. الجمعية الشرعية از ۱۳۱۰۰۰ کودک در سال ۱۹۹۴ حمایت کرده، به ۴۷۶ شخص معلول امداد رساند و به ازدواج ۴۷۴ دختر کمک کرد. (۹۱)

خدمات بانک ناصر به فقرا شامل آموزش و پرورش، مراقبتهای پزشکی، پرستاری و امکانات لباسشویی می شد. در سال ۱۹۸۶ این بانک چهار بیمارستان و بیست و پنج کلینیک در قاهره به علاوه پانزده کلینیک در استانهای دیگر را اداره می کرد. همچنین ۳۷۰۰۰ راننده فقیر را طی چند سال به عنوان بخشی از برنامه های توانبخشی تاکسی دار کرد. (۹۲) این بانک با کارهای خیریه اجتماعی نظیر فعالیتهای دعوتی نیز ارتباط دارد. گزارش توسعه انسانی سال ۱۹۹۴ شیوع فقر در مصر را ۱۲/۶۱ میلیون نفر یعنی ۲۳ درصد کل جمعیت ذکر می کند. (۹۳) با توجه به تولید ناخالص داخلی مصر که به ۳۳/۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۱ می رسید، (۹۴) برای این کشور حذف فقر در خلال چند سال ممکن است در صورتی که زکات بین دو تا سه درصد تولید ناخالص داخلی جمع آوری شود.

نتیجه

این تحقیق نتیجه گیری می کند که بسیاری از کشورهای مسلمان می توانند فقر را در جوامع خود از طریق مؤسسات زکات از بین ببرند در صورتی که جمع آوری آن از طریق قانون مقرر شود، منابع آن گسترش یابد تا تمام ابزار کسب ثروت را شامل شود و فقط برای اعضای نیازمند جامعه هزینه شود. به هر حال امکان دارد این امر از طریق یک برنامه طراحی شده در مدت چندین سال به انجام رسد. گزارش بانک جهانی تخمین زده است که هزینه انتقال همه افراد به بالاتر از خط فقر فقط سه درصد کل مصرف در کشورهای در حال توسعه است و همین هزینه برای خارج کردن افراد از فقر بسیار شدید یک درصد کل مصرف کافی است. (۹۵) ما قبلا ذکر کردیم که نیروی بالقوه کامل زکات ممکن است به طور میانگین به اندازه ۳/۴ درصد تولید ناخالص داخلی برسد که بیشتر از رقم پیشنهادی گزارش توسعه جهانی است. اما برخی از کشورهای فقیر مسلمان بخصوص در افریقای زیر صحرایا قادر به از بین بردن فقر در آینده قابل پیش بینی نخواهند بود، چنانچه فقط به درآمد زکات خود متکی باشند. بدین ترتیب اهمیت همبستگی متقابل میان مسلمانان در سطح جهان با دعوت به انتقال مازاد زکات از کشورهای ثروتمند به کشورهای فقیر آشکار می شود. دکتر فؤاد عمر آزمایشی نظری را به انجام رسانده است و میانگین نیروی بالقوه زکات برای سال ۱۹۸۸ در کشورهای عربستان سعودی (۲/۷ درصد تولید ناخالص ملی)، کویت (۲/۱ درصد تولید ناخالص ملی) و امارات متحده عربی (۲/۱ درصد تولید ناخالص ملی) را حساب کرده است. وی مسلم می داند که مازاد زکات در این سه کشور ثروتمند که احتمال دارد به کشورهای دیگر انتقال یابد حدود ۲۰ درصد درآمد زکات معادل ۵۹۳ میلیون دلار می باشد. این مازاد برابر است با تمام کمکهایی که توسط کشورهای صنعتی و سازمانهای بین المللی به هفت کشور فقیر مسلمان

روي هم رفته پرداخت مي‌شود که عبارتند از: جزاير کومور، جيبوتي، مالديو، گامبيا، افغانستان، سيرالئون و لبنان. نويسنده اين مقاله تاسيس يك سازمان بين المللي براي زکات تحت‌حمایت OIC را پيشنهاده مي‌کند. اين سازمان بايد از تمام مؤسسات زکاتي را که در جهان اسلام فعاليت مي‌کنند شامل شود. اولين کنفرانس بين المللي زکات (کويت، آوريل ۱۹۸۴) قبلا تشكيل يك صندوق زکات را تحت‌حمایت OIC با شرکت تمام کشورهاي مسلمان پيشنهاده کرده بود. اين سازمان مي‌تواند به کشورهاي مسلماني که مایل به ايجاد يك نظام زکوي هستند کمک کند و از تجارت متقابل در توسعه اجرايي زکات و آموزش کارگران بهره‌گيرد. از همه مهمتر مي‌تواند در مورد انتقال مازاد زکات از برخي کشورهاي ثروتمند مسلمان به کشورهاي فقير همکاري کند. اين پيشنهاده بر استقلال مؤسسات زکات از کنترل دولتي تاکيد مي‌کند به طوري که بتوانند به کشورهاي ديگر اعتماد و اطمينان بدهند و خود را از مسايل سياسي که در بين کشورهاي مسلمان به وجود مي‌آيد دور نگه دارند.

نکنه آخر براي افراد شکاک اين است که آن چه ما در مورد حمايت از زکات مي‌گوئيم مسؤليت‌حکومت را از انجام ديگر اقدامات اقتصادي و اجتماعي براي از بين بردن فقر، رفع نمي‌کند. جهان اسلام با توجه به نرخ رشد اقتصادي در اين قلمروها و نرخ افزايش جمعيت قادر نخواهد بود بر مشکل فقر در چندين سال آينده غلبه پيدا کند. حداقل نظام زکوي به عنوان يك #171;شبکه مطمئن اجتماعي» براي تهيه آذوقه به نفع فقرايي که سازوکار بازار آنها را از خود رانده است، مورد نياز است.

پي‌نوشت‌ها و مآخذ

۱- بخاري، مسلم و ابن ماجه.

۲- بقره: ۲۶۸.

۳- النسائي، المجلد الثامن، ص ۲۶۲.

۴- ابونعيم در الحلية، البيهقي و الطبراني.

۵ - ۹۳۶، p. ۱۹۹۲، Encyclopaedia Britannica.

۶- ۹۳۶، p. Ibid.

۷- به نقل از: N. S. Shirazi, 'An Analysis of Pakistan's Poverty and its Alleviation Through Infaq', a

.Ph.D.dissertaion, International Islamic University, Islamabad, ۱۹۹۳، p. ۶

۸ - ۲۷، P. World Development Report ۱۹۹۰:Poverty, Oxford University Press.

منبع: فصلنامه مشکوة - نويسنده: دکتر طيب زين‌العابدين

مترجم: محمدعباس پور

منبع: خبرگزاری تقريّب